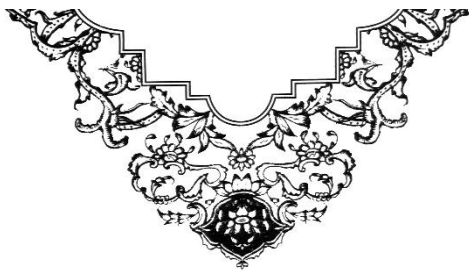


نمایش نامه‌ی

«به خاموشی خواهیم رفت»



سرشناسه	: اکبری، مهدی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: نمایش نامه به خاموشی خواهم رفت/ نویسنده مهدی اکبری (افشین).
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ص.
شابک	: 978-622-5286-20-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۵ -- 21st century Persian drama
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۳۴
رده بندی دیویی	: ۶۲/۲فا۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۷۷۹۹۶

نمایش نامه‌ی

«به خاموشی خواهیم رفت»

نویسنده:

مهدی اکبری (افشین)



©Nashre Amareh, MMXXIV



عنوان اثر: به خاموشی خواهیم رفت

نویسنده: مهدی اکبری (افشین)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۸۶-۲۰-۷

نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۰۳ تیراژ: ۱۵۰ نسخه

هرگونه کپی برداری، اسکن و میکرو فیلم، برداشت آزاد، جزئی یا کلی، اجرا؛

بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مولف ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده توسط ناشر

می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است.

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان

دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب‌سایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashre.amareh.ir

قیمت ۱۴۰ هزار تومان

سخن ناشر

ادبیات نمایشی در هر دوره تاریخی و در هر کجای جهان به عنوان اساس هنر نمایش و وجهه‌ای از فرهنگ و هنر حاکم بر هر جامعه، همواره متأثر از جریانات و عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی هر سرزمین بوده است، به این جهت پیشینه هر ملت و تاریخ او یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی روند کلی هنر نمایشنامه‌نویسی محسوب می‌شود.

نمایش، قطعه‌ی هنری زنده‌ای است که نمایشنامه، شالوده‌ی اصلی آن است. متن نمایش، از مؤلفه‌های بسیاری همچون طرح داستانی، زمان و مکان، شخصیت، موسیقی، فضا و حرکت، کنش و... تشکیل یافته است که از طریق دیالوگ، حرکات و توضیحات صحنه به مخاطب ابلاغ می‌شود. نویسندگان در ارتباط مستقیم با روابط فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش، همزمان با وقایع روز به خلق آثار می‌پردازند؛ و آثار ادبیات نمایشی در هر دوره از تاریخ، آینه تمام نمای اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همان عصر است.

انسان زاده ناآرامی‌ها و طوفان حوادث، همواره در جستجوی آرامش، نیازی تازه می‌آفریند. در ادوار پیشین، در اندرون غارهای تاریک، برای کسب تأثیر جادویی حیات، نقوش زنده طبیعت را بر دیواره‌های سنگی، نقش می‌زند و شبانگاه به گرد آتش دانایی، برای هم‌نشینان و هم‌پایه‌های خود حوادث روزانه را با اشکال تن و روان خویش بازگو می‌کند. قطعاً نگاه‌های گرم و آرامش‌بخش مخاطبین او را حریص‌تر و مطمئن‌تر می‌سازد. انسان وقتی فهمید که با نمایش توانسته ارتباط و لحظه‌های

نابی را تجربه کند تصمیم گرفت کشف‌های جدیدتری داشته باشد. پس بشر برای حفظ مخاطب و تعریف قصه و ماجراهای ماندگار دست به آفرینش زد و بن‌مایه اصلی نمایش یعنی همان نمایشنامه متولد شد.

انسان کمی جلوتر، در میان آهن‌پاره‌های جامعه صنعتی، تنها، ناآرام، پوچ و بدون هیچ هویت انسانی، به انتظار پایان می‌نشیند و دوباره هنر او را نجات می‌دهد. آن زمان که دردها و رنج‌های خود را در نمایشنامه‌ها روی صحنه می‌بیند و این آغاز تولدی دوباره است.

بشر یاد می‌گیرد که هنر را نه در خدمت زندگی، بلکه هدف زندگی قرار دهد. انسانی که دیوانه‌وار به دنبال پیشرفت و تکنیک بود حالا استعداد عاطفی و انسانی خود را دوباره پیدا کرده بود و این اکتشاف در متن جنگ‌های جهانی، هراس مرگ، غربت، گرسنگی و... هم پایانی نداشت و در چهارچوب سخت روزگار فریاد مظلومانی شد که سقف فلزی و سرد گلوله‌ها، موشک‌ها و تانک‌ها لحظه‌های آن‌ها را پر از تراژدی‌های خونبار کرده بود.

و حالا بشر بعد از گذشت قرن‌ها در پی بیداری انسانیت خفته، در پی حفظ نیازهای عاطفی جمعی و سرگرمی به این هنر پناهنده شده است و می‌داند که تنها راه نجات همین است: از خود تا دیگری گستردن!

دبیر بخش ادبیات نمایشی نشر آماره

هومن بنایی

بیانیه‌ی هیأتِ داورانِ نخستین جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسی آماره

نمایش، انسانی‌ترین هنر، از دورانِ نخستینِ زندگیِ آدمیان تا به امروز بوده است. اسطوره‌هایِ کهنِ یونان، هند، ایران و تمامیِ کشورهایی که از سابقه‌یِ تمدنی برخوردارند، در شکل و شمایلِ اسطوره، برایمان به یادگار مانده است.

از تاریخِ عمرِ نمایشنامه‌نویسی در ایران، بیش از یک سده گذشته است. جدا از «فتحعلی آخوندزاده» و «میرزا آقا تبریزی» در پسامشروطیت، اول‌بار «حسن ناصر» نمایشنامه به شیوه‌یِ فرنگ نوشت و اول‌بار در تاریخِ ۱۲۸۹ شمسی در رشت این اثر را اجرا کرد. از آن تاریخ تا به امروز، هیچ‌یک از آثارِ نمایشیِ نویسندگانِ نامدارِ ایرانی، موردِ پژوهشِ علمی قرار نگرفته است. چرا که پژوهشِ تئاتر در ایران، هنوز جایگاهِ خود را نیافته است و کمبودِ آن آفتِ بزرگِ تئاترِ ماست. اما بودند و هستند نهادهایی فرهنگی که با برگزاریِ جشنواره‌یِ انتخابِ آثارِ نمایشیِ برتر، نویسندگانِ - اغلب جوان را - گردِ هم آوردند و آثارشان را داوری کردند و در نهایت آثارِ برتر معرفی و انتخاب شدند تا به‌خاطر داشته باشیم که چراغِ نمایشنامه‌نویسی در ایران هنوز روشن است.

برگزارکننده‌ی این جشنواره از بخشِ خصوصی است و این اتفاقِ تازه‌ای در فرهنگِ تئاترِ ما، خوشبختانه کارش انتشارات

است و برتر از همه ناشر آثار نمایشی است. این را به فال نیک می‌گیریم چراکه چشم‌انداز روشنی پیش روی ما قرار گرفته است؛ یعنی چاپ آثار برتر این جشنواره و معرفی نویسندگان اغلب جوان آن.

هیأت داوران «نخستین جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسی انتشارات آماره» بر این باور است که نمایشنامه‌نویسان جوان ما به شدت نیاز به جوهر فرهنگ یعنی زبان دارند. تئاتر یعنی دیالوگ و دیالوگ در فارسی یعنی گفت‌وگو و در قلمرو تئاتر یعنی گفت‌وگوی هدفمند. زبان - که عقل خاستگاه آن است - مهمترین دستمایه‌ی نویسنده است و زبان روان، نمایشی و باشکوه به دست نمی‌آید، مگر با آشنایی با متون کلاسیک ادب پارسی.

هیأت داوران بر این باور است که ناشر آثار نمایشی - نمایشنامه - همواره به یک ویراستار مسلط به نمایشنامه نیاز دارد. تقریباً تمام آثار ارسال شده به این جشنواره، نیاز به ویراستاری و گاه ویراستاری بسیار جدی دارند. در مجموعه آثار ارسالی به جشنواره، گاه می‌شد با جابه‌جایی یک صحنه و گاه حذف صحنه‌ای، اثر را قبراق‌تر، خوش‌ریخت‌تر و روان‌تر ساخت. هیأت داوران از کلیه‌ی نمایشنامه‌نویسانی که در این جشنواره شرکت کردند سپاس‌گزار است و امیدوار که آثار برتر، با ویراستاری از طرف ناشر محترم، به‌درستی معرفی و مورد تقدیر قرار بگیرند.

از آنجا که این جشنواره ویژه‌ی استادِ فرهیخته «خسرو حکیم رابط» است؛ هیأتِ داوران بر خود واجب می‌داند با احترام به این استادِ بزرگ، برایشان آرزویِ تندرستی و سلامتی کند.

هیأتِ داوران «نخستین جشنواره‌ی
نمایشنامه‌نویسیِ نشرِ آماره»
فرامرز طالبی، محمد یعقوبی و ناهید
احمدیان

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

به خاموشی خواهیم رفت

مهدی اکبری (افشین)

بنا بر نظر هیأتِ داوران

«نخستین جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسی نشرِ آماره»

نمایشنامهٔ «به خاموشی خواهیم رفت» در بین آثار شرکت‌کننده

رتبهٔ دوم را کسب کرد.

شخصیت‌ها:

پناه، در ابتدای جوانی و زیبایی.

قدسی، در میانه زندگی و زیبایی.

پریدخت، در اوج جوانی و زیبایی.

پهلوان اکبر، در اواخر جوانی و زوال پهلوانی.

شازده اعتضاد السلطنه، در اواخر میانسالی ابتدای شور جوانی.

نایب احمدخان، قزاق، مستحکم و سست، عاشق و جلاد.

سرهنگ حسین خان، قزاق و فاسق.

شعبان بی‌مخ، سرگردان میان سیاهی و سفیدی.

عسکر، رو به سراسیمگی.

غیاث، رو به سراسیمگی.

ادوین، سرگرمی

میرزا رجب بنکدار، دردِ مطلق.

و جمعی از مردان طهران



صدای قیچی کردن مورامی شنویم.

(نور می آید.)

قهوه خانه

اینجا قهوه خانه اسماعیل قهوهچی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی است. همهی لوازم اساسی که یک قهوه خانه در این سالها نیاز دارد در صحنه وجود دارد. تخت و میز و صندلی و قلیان و چایی و ساز و آواز و غیره. پناه پسری نوجوان بنظر می رسد. کلاه نمدی شیرینی بر سر تراشیده اش گذاشته است. او مردی لال را که اسفند دود می کند با خود به قهوه خانه می آورد. پهلوان اکبر، شعبان بی مخ، شازده، غیاث، عسکر و ابوتراب در قهوه خانه حضور دارند. شازده کمی مستی دارد.

پناه کجا عمو! اونا جلنبرهای هیچی ندارن،
کسی چشمشون نمی کنه. اصل جنس
اینجاست (پهلوان اکبر را نشان می ده) کبابِ
بناب، فرش کاشون، جاه و جلالِ نقش
جَهون. بگردون دور سرش به حق علی
آفت و بلا ازش دور بشه.
پهلوان اکبر خاری سر راحت نباشه جوون.

مرد لالِ ظرف اسفند را ناشیانه دور سر شعبان بی مخ می گرداند.

شعبان زبون بسته واسه شعبون اسپندت دو
قبضه اش کن که هرچی آفت و بلا توی این
خراب شده است روی سر بی صاحبِ من
میباره.

پناه اون نه بابا. آقا شعبون خودش آفت و
بلاست. بیا این سمت گود.

شعبان (می خندد) پدسگِ چاکِ دهن باز.

پناه از جامه‌ی مندرسِ مرد لال می گیرد و به سمت پهلوان اکبر
می کشاند. کاسه‌ی دسته دار اسفند را از او می گیرد و دور سر
پهلوان اکبر می چرخاند.

(نور می آید)

پناه موهایش را گیس کرده و بافته است. شکمش قدری برآمده شده و آبستن است. لباس سیاه به تن دارد. دیگر آن دختر کم سن و سال نیست و پختگی بر صورتش دویده است. پناه تاب خالی را هل می دهد و آوازی را زیر لب زمزمه می کند. تاب حرکت می کند نور از پناه گرفته می شود و حرکتِ تابِ خالی را تا رفتنِ کامل نور دنبال می کنیم.

فهرست آثار ادبیات داستانی و نمایشی نشر آماره

نمایشنامه‌ها

- راهزنان / فردریک شیلر / مترجم: علیرضا کوشک جلالی (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش ترجمه)
- باد زرد «وینسنت ونگوگ» - تولدی دیگر / علیرضا کوشک جلالی
- استخوان ماهی جادویی - بچه‌های دریا - راز پروانه‌ها - هاپچه - سیزده نمایشنامه کوتاه و کم حرف (پانتومیم) - علاءالدین و غول چراغ جادو - افسانه ماردوش - ماجرای دختری که شاید شاهزاده خانم بود - یک سیب برای دو نفر! / منوچهر اکبرلو
- هینکه من / ارنست توللر / مترجم: ایرج زُهری
- رگ / ایوب آقاخانی
- صبا - ذبیح - خواستگاران مهری / صبوره رنگرز / مقدمه: دکتر عطاالله کوپال
- قند خون - کمیته نان / لیلی عاج
- چند سال پیش / کهبد تاراج
- مسافر اتاق شماره ۳۷ - سزارین - ژرژت مشکی / هومن بنائی / مقدمه: جهانگیر هدایت
- آشویتس زنان - مربع (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی) / علی صفری
- غبارروبی از خاطرات ماه سیما در بایگانی عدلیه / مجید دیندار
- هیله - هجده / محسن عظیمی
- وارثان / شهرام احمدزاده
- خُده و عشق / شیلر / ترجمه یوسف اعتصامی
- تنها گریخته - بزین بریم / کاریل چرچیل / مترجم: پریسا سالاری
- خُر ریاحی / عبدالرزاق عبدالواحد / مترجم: سید مهدی حسینی‌نژاد
- تک‌گویی‌های مرگ، تک‌گویی‌های عشق / زهره یحیایی
- بیهوده قرمز نشدن / سعید زارع (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی)
- دگردیسی‌ها (مری زیمرمن) - ساحلی‌ها (وجدی معوض) - ریپ وان وینکل (ماکس فریش) / مترجم: نازنین میهن
- بندخانه / زهرا مینویی (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش تالیف)
- تسویه حساب / پوریا عبدی
- رنوی زرد / مهدیس غنی زاده
- از همان شب که خورشید آمد - صبح دی ماه و عطر بهارنارنج / ندا ثابتی
- یک لقمه نان / یوجین اونیل / مترجم: محمدرضا حسن‌زاده جوانیان
- معجزه ماکارونی / فرامرز طالبی
- سه شب بی‌خواهی دیگر / کاریل چرچیل / ترجمه ناهید احمدیان
- استلا / گوته / ترجمه بهنام مشایخی

- زندگی آشغالی / نکيسا راستين
- آثار برگزیده نخستین جشنواره نمایشنامه‌نویسی آماره: بحرالमित (مهدی گلزار) ت به خاموشی خواهم رفت (مهدی اکبری) ت سفر تابوت چوبی (سید مرسلین ترابی)
- ۷ نمایشنامهٔ صحنه‌ای از استاد خسرو حکیم رابط: آنجا که ماهی‌ها سنگ می‌شوند/ سهراب شنبه - سهراب و ساز و والی قبرستان [در یک مجلد]/ اتاق شماره ۶/ ایوب دلتنگ خسته خندان - به بهانهٔ آزادی - احمد آقا [در یک مجلد]
- ۱۷ نمایشنامهٔ رادیویی از استاد خسرو حکیم رابط: سهیل و هفت برارون به انضمام نقد دکتر فرشته حکمت/ فیل در پرونده و خرسی که می‌خواست خرس باقی بماند [در یک مجلد]/ تیم دونفره - مرد میدان و پیرزن مهربان - خجالت بکشید آقای ترحم - روشنی چشمانم [در یک مجلد]/ توطئه بر ضد دولت - عطسه - عطسه؛ فضولی فروتنانه در کار آن نازنین [در یک مجلد]/ قهرمان فیلم‌های جنایی - زمانه در ظرف زمان - زیر تیغ آفتاب [در یک مجلد]/ بانگ زنگ فیل فیلن - حراج در ساعت هشت - شرطبندی - شرطبندی؛ فضولی دیگری در کار آن نازنین [در یک مجلد]

فیلمنامه

- داستان ازدواج/ نوآ بامباک/ مترجم: حامد سلیمان‌زاده

ادبیات داستانی

- ماخونیک/ محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۱۹ و ۲۰)
- طبرخون/ محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۲۱ و ۲۲)
- جوق کلنگان/ محسن فاتحی
- زبده‌التواریخ بایسنغری/ محسن فاتحی (نامزد چهلمین جایزه کتاب سال در گروه تاریخ - ۱۴۰۱)
- ظفرنامه/ (تیمور گورکان)/ محسن فاتحی
- ماهرخ/ ایرج افشاری اصل
- شاهد دوم شخص غایب/ مهراوه موسوی
- درکات/ آرش جواهری
- فانوس به دستان شیلان/ حمید نوغانی

نحوه فروش آثار

- مراجعه به سایت نشر آماره به همراه اطلاعات کتابها و پخشیهات ورود به پل کاربری و انتقال کتابها به سید خرید www.nashreamareh.ir
- از طریق اپلیکیشن طاقچه (برای تهیهٔ نسخه E-pub)
- تماس تلفنی و پیامکی، واتس آپ و تلگرام با شماره تلفن: